

فهم تکاملی علما در تولید الگوی نظام سیاسی عدالت‌خانه از تحریم تنباکو تا مهاجرت کبری

دکتر فرزاد جهان‌بین¹

چکیده

دوره مشروطیت از جمله مهم‌ترین نقاط عطف در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید و تأثیرات عمیقی بر تحولات سیاسی - اجتماعی بعدی این مرزوبوم به جای نهاده است و مبدأ چالش‌های فکری گسترده و پایایی بوده که دامنه آن تا به امروز نیز ادامه یافته است. از جمله چالش‌ها، نوع مواجهه با نظام استبدادی است. مشروطه‌خواهان غرب‌گرا که ذیل الگوی کلان توسعه غربی می‌زیستند، نظریه ترجمه‌ای مشروطه را جایگزین حکومت استبدادی مطرح کردند، اما علما که عمدتاً جز نفی نظری مشروعبیت حکومت‌های غیرمعصوم یا مأذون از ناحیه معصوم اقدامی ایجابی برای طرح نظریه جایگزین انجام نداده بودند، پس از جنبش تحریم تنباکو و فضای ایجادشده کوشیدند تا در سیری تکاملی، طرحی ایجابی برای تحدید استبداد ارائه کنند که مبتنی بر ضرورت‌های بومی باشد و در مقابل مشروطه، عدالت‌خانه را مطرح کردند. با نگاهی گذرا به تاریخ مبارزات مردم به رهبری علما از آغازین روزهای نهضت عدالت‌خانه تا حضور جمعی از مردم در سفارت انگلستان، می‌توان به‌وضوح دریافت رهبران نهضت آرام‌آرام به این نتیجه رسیدند که بدون طراحی الگویی مشخص و با اقدامات فردمحور و مصداقی نمی‌توان حقوق ملت را استیفا و از دین محافظت کرد.

واژگان کلیدی: مشروطیت، عدالت‌خانه، علما، روشنفکران، حکومت.

1. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شاهد / farzadjahanbein@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

جنگ‌های ایران و روس و شکست ایران از روسیه، سرآغازی جدی در طرح پرسشی عمیق و پایا و ایجاد تلاطمی در ذهن ایرانی شد و آن پرسش این بود که چرا ما عقب‌مانده‌ایم و آن‌ها ترقی کرده‌اند؟ البته برخی اندیشمندان، تاریخ این بحث و پرسش از علل عقب‌ماندگی را به شکست شاه اسماعیل در جنگ چالدران (طباطبایی، 1381: 30) نسبت می‌دهند. این شکست‌ها تلنگری جدی بود که بر جامعه بسته و ایستای ایران وارد آمد و نقطه عزیمتی برای تغییرات جدی در ایران معاصر شد. در چنین شرایطی، از سویی کارگزاران تجدد همچون سیاحان، کارگزاران دولتی، دانشجویان ایرانی در خارج (آزاد ارمکی، 1379) در هاله‌ای از حیرت و سرگستگی نسبت به غرب، آنچه دیده‌اند و شنیده‌اند، توصیف کردند و گاهی در علل این ترقی و عقب‌ماندگی ایرانی تحلیل‌هایی ارائه دادند و از این راه آرام‌آرام گفتمان مدرنیته و البته بیشتر در بُعد اثباتی آن یعنی دستاوردهای تکنولوژیکی و به‌ویژه سیاسی آن را نسخه درمان‌بخش و گفتمان‌رهایی نامیدند. در این دیدگاه، دین در تقابل و تعارض با مدرنیته قرار دارد و باید نفی شود. برای نمونه، میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله (1326-1249) ارمنی‌زاده‌ای که در ظاهر به اسلام گروید، یکی از نخستین و مؤثرترین نظریه‌پردازانی بود که نظام‌مند به مسائل مدرنیته در ایران پرداخت (وحدت 1383: 61). وی پس از توصیف «خرابی‌های ایران» اعم از «پیشانی لشکر»، «گرسنگی نوکر»، «تعدی حکام»، «ذلت رعیت»، «هرج و مرج دستگاه دیوان» که همه آن‌ها از «آفتاب آشکارتر» است، راه علاج را مراجعه به علم غربی می‌داند (محیط طباطبایی، بی‌تا: 5-10) و با اعتقاد به اینکه مقاومت در برابر سیل ترقی‌خواهی امکان‌پذیر نیست و «یا باید به حکم مصلحت خودتان و به حکم مقتضیات آبادی دنیا بلادرنگ ترقی بکنید و یا باید در زیر ترقی [اروپا] به کلی محو بشوید» (رائین، 1353: 152)؛ نظام استبدادی علت اصلی این عقب‌ماندگی‌ها مطرح و دیدگاه‌های مختلفی برای تحدید و جایگزینی استبداد بیان شد. آنچه روشنفکران مطرح کردند در قالب «مشروطیت» قابل عرضه بود که از طرح آن در اروپا چندین قرن می‌گذشت و روشنفکران با ترجمه آن، این اصطلاح و لوازم آن را در جامعه مطرح کردند.

در این شرایط در نقطه مقابل، علما قرار داشتند که هر نوع تغییری را در چهارچوب

ضرورت‌های بومی و به‌ویژه دین می‌خواستند (نائینی، 1392: 94-95) و از این نظر تفاوت مبنایی میان افرادی چون نائینی و شیخ فضل‌الله نوری نبود. پرسش مهمی که مطرح می‌شود آن است که مواضع علما از ابتدای این فرایند یعنی از مهاجرت صغری تا مهاجرت کبری، چه فراز و فرودی داشته و چه تغییراتی به خود دیده است؟

اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف از این پژوهش، بررسی نوع مواجهه علمای شیعه از مهاجرت صغری تا مهاجرت کبری و تطورات اندیشه آنان و چرایی آن است. بر این اساس، پرسش‌ها عبارت است از:

1. جایگاه جنبش تحریم تنباکو در فهم تکاملی علما چیست؟
2. مواجهه علما با استبداد و روش تحدید آن در دوران مهاجرت صغری چگونه بود؟
3. مواجهه علما با استبداد و روش تحدید آن از منظر آن‌ها در مهاجرت کبری چگونه بود؟
4. علل تغییرات اندیشه علما از فاصله مهاجرت صغری تا مهاجرت کبری چه بود؟

پیشینه پژوهش

در زمینه عدالت‌خانه آثار مختلفی نگاشته شده است. از جمله مهم‌ترین این آثار، «مقاله عدالت‌خانه؛ وزارت عدلیه یا شورای ملی» است که توسط دکتر حجت فلاح توتکار در فصلنامه تاریخ ایران و اسلام منتشر شده است. این مقاله در عین حال که تأییدی بر فرضیه مقاله حاضر است که عدالت‌خانه را نهادی تحدیدکننده استبداد می‌داند، ولی از یک جهت متفاوت است و آن اینکه به فرایند تکاملی فکر علما در ارائه الگویی جایگزین نظام استبدادی نمی‌پردازد.

از دیگر آثار در زمینه عدالت‌خانه مقاله «ملاحظه‌هایی در مفهوم عدالت‌خانه» تألیف علیرضا مولایی است که در مجله علمی - پژوهشی پژوهش‌های تاریخی منتشر شده است. در این مقاله ایشان به تعریف عدالت‌خانه پرداخته است. جدای از اینکه در پژوهش حاضر، سیر اندیشه علما در مواجهه با استبداد از مهاجرت صغری تا مهاجرت کبری مطرح می‌شود، برخلاف نویسنده محترم پژوهش حاضر بر آن است که عدالت‌خانه در ابتدا جزء درخواست‌های اصلی نبوده است و در ادامه به‌عنوان نظریه جایگزین نظام استبدادی مطرح می‌شود.

علاوه بر این مقاله‌ها، در میان کتاب‌ها نیز آثاری هستند که در کنار مفهوم عدالت‌خانه و تعریف آن

به تبیین تفاوتش با مشروطه نیز پرداختند؛ از جمله کتاب «عدالت‌خانه و مشروطه، نقاط اشتراک و افتراق» تألیف آرمان دادخواه. از دیگر کتاب‌ها می‌توان به «از عدالت‌خانه تا مشروطه غربی» اثر جواد سلیمانی اشاره کرد. این کتاب‌ها به‌رغم پرداختن به مفهوم عدالت‌خانه و تفاوت آن با مشروطه، به تبیین فرایند تکاملی فکر علما در خود مفهوم عدالت‌خانه و علل آن نپرداخته‌اند. تنها کتابی که می‌توان گفت تا حدودی به موضوع مورد نظر این مقاله پرداخته است، کتاب «بررسی مواضع سیاسی علمای شیعه از عدالت‌خانه تا کودتای رضاخان»، اثر فرزاد جهان‌بین است. تفاوت مقاله حاضر با این کتاب، در شرح و بسط و دقیق‌کردن ایده در کتاب است.

تعریف مفاهیم

۱. عدالت‌خانه

عدالت‌خانه به معنای خاص از جمله اصطلاحاتی است که در مورد آن تعاریف گوناگونی شده است. در مقطع زمانی مورد بررسی این مقاله یعنی از جنبش عدالت‌خانه (۱۲۸۳ ه.ش) تا صدور فرمان مشروطیت، مردم که از ظلم به ستوه آمده بودند، با رهبری علما موضوع مطالبه عدالت را مطرح کردند. عدالت‌خانه در ابتدای جنبش، هیچ نهادی مشابه و معادل خارجی نداشت و با توجه به اهمیت عدالت در فرهنگ شیعی به معنای دادکردن، دادگری، انصاف‌داشتن، دادگری و عدالت اجتماعی عدالتی است که همه افراد جامعه از آن برخوردار باشند (معین، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۲۷۹). عدالت‌خانه را به معنای جایی که این عدالت را برقرار کنند، مطرح کردند اما این آرمان کلی و مبهم در مسیر جنبش با تعبیر گوناگونی همراه شد و این تعبیر، از مفهوم حداقلی اصلاح قضایی تا مجلس مشورتی نوسان داشت. به عبارتی علما در ابتدا عدالت‌خانه را نهادی قضایی می‌دانستند ولی در نهایت بنا به دلایل مختلف، نهادی سیاسی در نظر گرفته شد که مهم‌ترین کارویژه آن قانون‌گذاری و نظارت بر حسن اجرای قوانین و مهم‌ترین نقش آن، تحدید سیستماتیک نظام استبدادی بود (فلاح توتکار، ۱۳۸۸، ۱۱۱-۱۲۳).

۲. حکومت

نظر مقاله حاضر نه به مفهوم دولت بلکه به مصداق آن یعنی «حکومت» است. در تعریف این دو

چنین آورده‌اند: «دولت عبارت است از ساخت قدرتی که ملت برای دفاع از خود و سرزمین خود و برقراری نظم و قانون در میان خود و نگهداری نظام خود پدید می‌آورد» و مفهوم دولت «عنصری ثابت و پایدار و تاریخی» (آشوری، 1376: 163) است اما حکومت «به‌عنوان دستگاهی دگرگونی‌پذیر در درون این ساخت کمابیش پایدار، انجام کارکردهای آن را بر عهده دارد و حکومت «بر حسب ضرورت‌های اجتماعی - تاریخی دگرگونی‌پذیر» همان بوده و ممکن است در درون دولتی، حکومت «از سلطنت به جمهوریت و یا از استبداد به دموکراسی» تغییر یابد (آشوری، 1376: 163). با توجه به این تعریف، در دوره زمانی از آغاز نهضت عدالت‌خانه تا تأسیس مجلس شورای اسلامی و استقرار حکومت مشروطه، علما با حکومت استبدادی مواجه بوده و موضع‌شان مقابله با این نوع حکومت است. حکومت استبدادی ساختی سیاسی است که حدود سنتی یا قانونی برای قدرت حکومت وجود نداشته و هیچ نظارتی بر اعمال خودسرانه حکام در آن وجود ندارد (آشوری، 1376: 25).

3. مهاجرت صغری

در اعتراض به فراگیرشدن ظلم و بی‌عدالتی در اواخر دوران مظفرالدین شاه قاجار، علمای برجسته تصمیم به مهاجرت از تهران گرفتند. بر این اساس، طی جلسه‌ای که در منزل آیت‌الله سید محمد طباطبایی برگزار شد، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی به‌عنوان محل تحصن انتخاب شد. در 22 آذرماه 1284 مصادف با 16 شوال 1323 علما تهران را ترک کرده و راهی شهرری شدند. این مهاجرت که در تاریخ به «مهاجرت صغری» معروف شد، یک ماه به طول انجامید و در نهایت، قیام مردم و حمایت آنان از علما، مظفرالدین شاه را بر آن داشت تا به خواسته علمای متحصن رسیدگی کند (نجمی، 1377: 57).

4. مهاجرت کبری

پس از مهاجرت صغری و اعلام قبول درخواست‌های مردم از سوی شاه، در بهار 1285 ش از طرف مردم عریضه‌ای به مظفرالدین شاه تقدیم شد و تقاضا کردند اعلیحضرت وعده‌هایی را که داده بودند، دستور اجرا صادر کنند، اما اعتنایی به این درخواست نشد. در نهایت در دوشنبه 23 جمادی‌الاول 1324 (20 تیرماه 1284) این مهاجرت آغاز شد و آقایان بهبهانی و طباطبایی و آقا سید جمال افجه و آقایان شیخ محمدرضای قمی و صدرالعلما و حاج شیخ مرتضی آشتیانی و عده‌ای دیگر از تجار و

کسبه و طلاب و غیره به سمت ابن بابویه و حرم عبدالعظیم حرکت کردند (کاتوزیان، 1379: 182) و پس از یک شب توقف راه قم را در پیش گرفتند. مورخان عدۀ مهاجرانی که در حرم عبدالعظیم جمع شدند، هزار نفر می‌نویسند، ولی جمع زیادی در راه میان حضرت عبدالعظیم و قم به آن‌ها پیوستند و عدۀ مهاجرین روز به روز افزایش می‌یافت (ملک‌زاده، 1363، ج 1، 2 و 3: 363) که از مرز سه هزار نفر هم گذشت (مدنی، 1365، ج 2: 113).

روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش تاریخی - تحلیلی استفاده شده است. تحقیق تاریخی در ارتباط با موضوع معینی که در یک مقطع زمانی مشخصی در گذشته اتفاق افتاده، صورت می‌گیرد. تلاش محقق در روش تاریخی بر آن است که حقایق گذشته را از طریق جمع‌آوری اطلاعات، ارزشیابی و بررسی صحت و سقم این اطلاعات، ترکیب دلایل مستدل و تجزیه و تحلیل آن‌ها، به صورتی منظم و عینی ارائه کند و نتایج پژوهشی قابل دفاع را در ارتباط با فرض یا فرض‌های ویژه تحقیق نتیجه بگیرد (نادری و سیف‌نراقی، 1385: 66). در این روش ابتدا مسئله تعریف می‌شود و براساس منابع دست اول و دوم تاریخی، داده‌ها گردآوری می‌شود. مورخ در این مقام، محتاج اسناد و مدارک است. توصیف، لزوماً کشفی نیست بلکه غالباً مورخ ناچار از بازسازی است و این، صعوبت توصیف تاریخی را نشان می‌دهد. هرچند توصیف دقیق‌تر باشد مراحل بعدی کامل‌تر می‌شود. به هر روی، آغاز مطالعه تاریخی، توصیف دقیق و فراگیر همه ابعاد و مبتنی بر اطلاعات قابل اتکا از شیوه ظهور حادثه است. محقق در مقام توصیف، غالباً با سه مسئله عمده توصیف ظهور، تطور و وضعیت نهایی حادثه تاریخی مواجه است و سپس این داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی قرار می‌گیرد. در این مرحله انتظار می‌رود محقق به تبیین، علت وقوع حادثه یا تطور آن در پرتو قانون کلی دست یابد (دلاور، 1380: 235).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در پاسخ به پرسش‌های طرح‌شده به شکل زیر است:

پرسش اول: جایگاه جنبش تحریم تنباکو در فهم تکاملی علما چیست؟

به واسطه ظلم و استبداد داخلی و تضییع حقوق ملت و به یغمدادن ثروت و منابع کشور توسط

حکومت قاجار در قالب امتیازها و قرض‌ها و مساعده‌ها، روزبه‌روز فاصله علما با حکومت بیشتر و شکاف‌ها عمیق‌تر شده و مواضع علما در قبال حکومت تندتر می‌شد. در مقابل رفتار حکومت نیز که به دنبال محدود کردن علما و به‌حاشیه‌راندن آن‌ها بود و به قول ناظم‌الاسلام کرمانی «به پلیتیک در سلب قدرت علما می‌کوشید» این شکاف‌ها را عمیق‌تر و عمیق‌تر می‌کرد (جعفریان، 1376: 33). اعطای این امتیازها و ظلم و استبداد و اختناق دربار، مصافی را فراهم آورد که به صف‌آرایی علما در مقابل حکومت انجامید و این صف‌آرایی روزبه‌رو منسجم‌تر و قوی‌تر شد. اوج این تقابل را که از اواخر دوره فتحعلی‌شاه تشدید شده بود، می‌توان در جریان نهضت تحریم تنباکو به‌خوبی مشاهده کرد. برای نمونه ملاعلی‌کنی (متوفی 1306ق) از جمله علمای عصر ناصری در گرماگرم مخالفت با امتیاز رویتر در نامه‌ای مفصل به شاه قاجار به وظیفه علما در مواجهه با حکومت اشاره کرده و متذکر می‌شود بر علما واجب است نسبت به اصلاح امور، امر به معروف و نهی از منکر کنند و مفساد حکومت را گوشزد کنند و حال، این تذکر «پسند خاطر مبارک بشود یا نشود، در مقام اصلاح آن برآیند یا نیابند». ایشان در قسمتی از همان نامه چنین می‌نویسند:

«اگر جسارت نباشد گوینده را می‌رسد که بگوید و بپرسد دولت را چه تسلط است بر املاک و اشجار و آب و اراضی رعایا که حتماً بفروشند. به گمان ندارم در شرع خود بلکه سایر ادیان تجویز این قسم اجبارها شده باشد» (بهشتی سرشت، 1380: 77).

ظلم و ستم و اختناق و واگذاری امتیازات هرروزه از یک‌سو و افزایش حضور علما در عرصه‌های مختلف اجتماعی - سیاسی که خود به واسطه احساس وظیفه «علمای ملت» در مقابل ظلم «اولیای دولت» (بهشتی سرشت، 1380: 77) و پناه مردم به این طبقه در مقابل حکومت صورت گرفته بود و نیز تقویت اجتهاد و نهاد مرجعیت در مقابل قدرت‌های دنیوی که عمدتاً از دوران صفویه به بعد در اثر ورود استنباط‌های عقلی در استدلال‌های دینی و بحث از حجیت عقل در تمییز قواعد و احکام شریعت رخ داده بود (شیخ فرشی، 1379: 14)، به درگیری‌ای انجامید که اوج آن را می‌توان در جنبش تحریم تنباکو دید. این جنبش «سرفصلی تعیین‌کننده در تاریخ مبارزه‌های ایران ضد استبداد» قلمداد می‌شود. حامد الگار در این زمینه می‌نویسد:

«استبداد که در اندیشه مردم شکست‌ناپذیر می‌نمود با عقب‌نشینی در این جریان سطوت و شکست‌ناپذیری خود را از دست داد و مردم دریافتند در بسیج هماهنگ و مشخص قادرند آرمان‌های

خویش را پیش برند و استبداد را به اطاعت وادارند. استبداد اگرچه فرو نریخت، رسوا شد و محکوم گردید» (الگار، 1369: 325).

در این جنبش که رهبری بلامنازع آن را علما بر عهده داشتند (جعفریان، 1376، ج 3: 339)، علما و مردم به صورتی فراگیر و گسترده حضور یافتند و در پیروی از حکم میرزای شیرازی متحد و منسجم عمل کردند و به هیچ وجه مماشات نکردند و تنها یک نفر از روحانیون در مقابله با حکم، اقدامی منفی کرد و روی منبر قلیان کشید (نجفی، 1378: 110). جنبش تحریم تنباکو هرچند در اصل متوجه کمپانی فرنگی بود اما در حقیقت به صورتی منسجم و قدرتمند به دنبال گوشمالی دادن به دستگاه استبداد و خودکامگی شاه بود و منطق استبداد مطلقه را زیر پرسش برده و نفی می کرد (نجفی، 1378: 110). نگاهی گذرا به فتوای یک خطی میرزای شیرازی که «الیوم استعمال توتون و تنباکو بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان (عج) است»، مؤید همین مطلب است.

جمله «در حکم محاربه با امام زمان (عج)» با توجه به اینکه شاه خود را ظل الله می دانست، مشروعیت او را زیر سؤال می برد و این جمله از حرام بودن نیز یک درجه بالاتر و شدیدتر است، چراکه با وارد کردن مهدویت و تقدس فوق العاده، نام امام عصر را مقابل سلطنت و عاقدین قرار داد و دیگر مشروعیت و اعتباری برای دستگاه حاکمه قاجار باقی نمی گذارد (نجفی، 1378: 110)؛ از همین رو و در این مصاف، مأموران حکومتی به دستگیری و تبعید علما و مقاومت در برابر اعتراض های مردمی به صورت خشونت بار اقدام کردند.

هرچند مضمون اصلی نهضت تنباکو را مبارزه با استعمار خارجی تشکیل می داد اما چنانکه گفتیم به نفی استبداد مطلقه می پرداخت و این همان چیزی بود که بعدها به طور رسمی خصلت عمده و کلی انقلاب مشروطه شد؛ به عبارت دیگر، جنبش تنباکو پیش درآمد و مقدمه ای برای قیام های بعدی شد (امین الدوله، 1355: 147).

پرسش دوم: مواجهه علما با استبداد و روش تحدید آن از منظر آن ها در دوران مهاجرت صغری چگونه بود؟

به واسطه افزایش روزافزون ظلم و ستم و خودکامگی و ضعف و انحطاط کشور و نیز تلاش حکومت در محدود کردن نقش علما (جعفریان، 1376: 35) و برداشتن همه قیود از خودکامگی ها، گویی جرقه ای لازم بود تا هیزم نفرت علما و مردم از ظلم و استبداد حکومت را برافروخته کند؛

مردمی که سابقه مبارزه با استبداد به رهبری علما را در جریان جنبش تحریم تنباکو دیده و تجربه کرده بودند و با همه وجودشان، تلخی دورانی را چشیده بودند که حکومت وقت برای آن‌ها جز ظلمی فراگیر در داخل و ذلت و خاکساری در خارج از مرزها به ارمغان نداشت و آن جرعه با انتشار واقعه «موسیو نوز بلژیکی» و همکاری «پریم» در جشن بالماسکه به وجود آمد (ناظم‌الاسلام کرمانی، 1362: 53-52). مخالفان عین‌الدوله صدراعظم از این فرصت استفاده کرده و به نشانه اعتراض در منزل آیت‌الله بهبهانی اجتماع کردند.

علاوه بر انتشار عکس مسیو نوز در مجلس رقص، اقدام شاهزاده ظفرالسلطنه حاکم کرمان در دستگیری و شلاق‌زدن و تبعید حاجی میرزا محمدرضا مجتهد و نیز واگذاری زمین قبرستانی در تهران به کارگزاران دولت روسیه برای احداث بانک، بر هیجان مردم افزوده و آن‌ها را به جوش و خروش بیشتری واداشت (آجدانی، 1383: 66). هرچند اجتماع در منزل آیت‌الله بهبهانی به واسطه قول مساعد ولیعهد مبنی بر توجه به دغدغه‌ها و خواسته‌های مردم و علما پس از بازگشت شاه از سفر اروپا (سامعی، 1378: 83) پایان یافت، اما بی‌توجهی به خواسته‌های مردم و نیز وقوع این مسائل به اضافه حادثه به فلک بسته‌شدن چند تن از تجار محترم بازار توسط علاءالدوله حاکم تهران به دنبال افزایش قیمت قند در رمضان 1323، موجب شد مردم به نشانه اعتراض به همراه سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی در مسجد شاه اجتماع کنند (آجدانی، 1383: 66-67).

در ادامه و با بالاگرفتن حوادث، سیدین به اتفاق جمعی از تاجران به حرم عبدالعظیم (ع) مهاجرت کردند که به مهاجرت صغری معروف شد (کسروی، 2537). تحصن‌کنندگان درخواست‌هایی را مطرح کردند. شاه موافقت خود را با خواسته‌های آنان اعلام کرد و در نتیجه سیدین با احترام در 16 ذی‌القعدة 1323 به تهران بازگشتند. علما در تحصن حرم حضرت عبدالعظیم که به مهاجرت صغری معروف شد خواستار اقدامات زیر شدند:

1. نبودن عسکر گاریچی در راه قم؛

2. مراجعت و معاودت دادن حاج میرزا محمدرضای کرمانی (که به رفسنجان تبعید شده بود) به

کرمان؛

3. بازگرداندن مدرسه خان مروی به حاج شیخ مرتضی که به زور عین‌الدوله به تولیت امام جمعه

درآمده بود؛

4. «بنای عدالت‌خانه‌ای در ایران که در هر بلدی از بلاد ایران یک عدالت‌خانه برپا شود که به عرایض و تظلمات رعیت رسیدگی شود و به‌طور عدل و مساوات رفتار کند»؛
 5. «اجرای قانون اسلام دربارهٔ آحاد و افراد بدون ملاحظه از احدی»؛
 6. عزل مسیو نوژ بلژیکی از ریاست گمرک؛
 7. عزل علاءالدوله از حکومت تهران؛
 8. موقوف‌کردن پرداخت تومانی دهشاهی به صندوق مالیه (کسروی، 2537: 71).
- نگاهی به فهرست بالا نشان می‌دهد مبارزه در ابتدا و در جریان مهاجرت صغری، کم‌عمق و سطحی بوده و نگاهی کلان نسبت به مسئله ساخت سیاسی و اصلاح آن وجود نداشته است و هرچند عدالت‌خانه مطرح می‌شد، اما طرح آن در کنار مسائل موردی دیگر صورت می‌گرفت. دلیل این امر را می‌توان در این موضوع جست که بیشتر علما تا آن زمان جز انکار سنتی مشروعیت حکومت‌ها در مقام نظر و مفارقت‌ها یا همکاری‌های واکنشی نسبت به حکومت، اقدام اثباتی جدی‌ای در طرح‌ریزی برای جایگزینی این حکومت‌ها انجام نداده بودند. برای نمونه، دلایلی همچون ترس از ستم حکومت‌ها (هادوی تهرانی، 1380: 69) یا تقویت حکومت‌هایی با داعیه شیعه‌گری (رفیعی، 1382: 141) و یا حفظ کشور در مقابل تهدیدهای خارجی و خطر استیلای کفار (آجدانی، 1383: 25) و نیز مقابله با گسترش عقاید و مکاتب و مذاهب انحرافی (حائری، 1378: 531) علما را به حکومت‌ها نزدیک می‌کرد و افزایش ظلم و تعدی حکام و گسترش نفوذ بیگان (جعفریان، 1369: 33) تقارها و شکاف میان حکومت و علما را افزایش می‌داد.

پرسش سوم: مواجههٔ علما با استبداد و روش تحدید آن منظر آن‌ها در مهاجرت کبری چگونه بود؟

پس از بازگشت علما از حرم عبدالعظیم (ع)، عین‌الدوله، حاکم تهران را عزل کرد، اما در ادامه پس از عزل علاءالدوله، نیرالدوله را که سابقهٔ بدتری در ظلم به مردم داشت، به سمت حاکم تهران منصوب کرد (کرمانی، 1362) و به دستگیری سید جمال واعظ اقدام و او را تبعید کرد و یکی دیگر از واعظ عالی‌رتبهٔ آن زمان به نام شیخ محمد را دستگیر کرد و به زندان فرستاد. هنگامی که تعدادی از طلبه‌های مدرسهٔ حاج ابوالحسن معمارباشی در راه مشاهده کردند که شیخ محمد در احاطهٔ جمعی از مأموران دولتی تحت‌الحفظ روانهٔ زندان است، به مأموران حمله کرده و شیخ را نجات دادند، اما در

این درگیری طلبه‌ای به نام سید عبدالحمید کشته شد (سامعی، 1378: 84) و اعتراض‌ها شدت یافت. در پی این حوادث، بازار تهران به نشانه اعتراض تعطیل شد و مردم در مسجد آدینه (کسروی، 2537: 98). اجتماع کردند. از نکات مهم این اجتماع، پیوستن شیخ فضل‌الله به جمع معترضان بود. صدراعظم به علما پیغام داد که متفرق شده و به خانه‌های خود بروند و مطمئن باشند دولت، امور را اصلاح خواهد کرد، اما این بار نیز علما بر لزوم تأسیس عدالت‌خانه تأکید کردند و خواستار عزل عین‌الدوله از صدارت شدند (سامعی، 1378: 85-84). علما که تصمیم خود را بر آن نهاده بودند تا برپاشدن «عدالت‌خانه» و پیشبرد هدف از مسجد بیرون نروند، با حمله سربازان حکومتی مواجه شدند (کسروی، 2537: 97). آن‌قدر این حمله وحشیانه بود که کسروی درباره‌اش می‌نویسد:

«شماره کشته‌شدگان را کسی نیک ندانست زیرا مردم چون گریختند هر که افتاده بود، چه کشته و چه زخمی، سربازان از زمین برداشتند و از میان بردند و بی‌آنکه به زخمیان چاره کنند، همه را به انبار کشیدند و شبانه چند گاری را پر از کشتگان گردانیده، بیرون شهر فرستادند...» (کسروی: 2537: 101).

به‌رغم این برخوردهای خشن یا وعده و وعیدهای آنچنانی به برخی علما، تحصن ادامه یافت و در پاسخ تهدیدهای عمال دولتی، سرانجام علما طی پیشنهادی سه‌گزینه مطرح کردند: «یا عدالت‌خانه را برپا کنید، یا ما را بکشید و به دیگران کاری نداشته باشید، و یا به ما راه دهید تا از شهر بیرون برویم» (کسروی، 2537: 106). دولت سومین پیشنهاد را پذیرفته و در نتیجه علما ابتدا روانه ابن‌بابویه در نزدیکی عبدالعظیم (ع) شدند و پس از یک شب اقامت در آنجا شبانه راه افتاده و به سمت قم عازم شدند که تعدادشان روی هم‌رفته به هزار تن می‌رسید (کسروی، 2537: 106). علمای بسیاری نیز از شهرهای مختلف ایران بدان‌ها پیوستند (سامعی، 1378: 85). شیخ فضل‌الله پس از دو روز از حرکت معترضان، به همراه بستگان روانه شد و به آنان پیوست (کسروی، 2537: 106). تحصن‌کنندگان در رأس خواسته‌های خود، تأسیس عدالت‌خانه و اجرای قوانین شرع انور را خواستار بودند.

در جریان مهاجرت کبری، انقلاب دو گام بسیار مهم دیگر پیش رفت: نخست اینکه محدوده اعتراض از نظر کمی از تهران به ایران گسترش یافت و قیام علمای تهران و تحصن در قم شاخص قیام‌های پراکنده‌ای شد که کمابیش در سطح ایران صورت می‌گرفت و علمای مهم بسیاری از شهرهای مختلف بدان پیوستند. این اجتماع در حقیقت تجلی وحدت علما در مقابله با استبداد بود.

در رأس درخواست‌های این اجتماع سرتاسری با چنین ویژگی‌ای، تأسیس عدالت‌خانه و اجرای قوانین شرع انور (ملک‌زاده، 1363: 355) قرار داشت.

دوم آنکه تحصن‌کنندگان ابعاد عدالتخانه مورد نظرشان را بازتر و اجرایی‌تر کردند. آن‌ها در نامه‌ای به شاه قاجار خواستار تشکیل مجلسی شدند که «اعضای آن مرکب باشد از جمعی از وزرا و امنای بزرگ دولت که در امور مملکت باریط و از اغراض نفسانی بری باشند و جمعی از تجار محترم که در تجارت و صناعت با اطلاع و از مصالح دولت و ملت مستحضر و برای مشاورت صالح باشند و چند نفر از علمای عاملین که بی‌غرض و بابصیرت باشند و جمعی از عقلا و فضلا و اشراف و اهل بصیرت و اطلاع ... در تحت نظارت ... پادشاه اسلام». وظیفه این مجلس عبارت بود از:

1. نظارت بر تمام اداره‌های دولتی؛
 2. تعیین حدود وظایف و تشخیص دستور و تکالیف تمام دوایر دولت؛
 3. اصلاح نواقص داخله و خارجه و مالیه و بلدیة؛
 4. تعیین حدود احکام و امور؛
 5. منع ارتکاب منهیات و منکرات الهیه و امریه‌معروف و واجبات شرعیه؛
 6. احقاق حقوق ملهوفان و مجازات مخالفان؛
 7. اصلاح امور مسلمین طبق قانون مقدس اسلام و احکام متقن شرع مطاع (کسروی، 2537: 107).
- تذکره در مبارزه با حکومت استبدادی مبتنی بر عدالت‌خانه بود. چنانکه در تعریف مهاجران به قم گفته شد، عدالت‌خانه مجلسی صنفی بود که نمایندگان اصناف و طبقات مردم در آنجا گرد هم می‌آمدند و در حوزه قلمرو و اختیارات دولت، قانون می‌نوشتند و حدود اختیارات و نحوه عملکرد مأموران دولت را تعیین و بر حسن اجرای آن دستورالعمل‌ها و قوانین نظارت می‌کردند. این مجلس دو ویژگی عمده داشت: نخست آنکه دستورالعمل‌های آن باید برگرفته از شرع و منطبق با آن باشد و ثانیاً حدود اختیارش، حوزه دولت و حکام را دربرمی‌گرفت و کاری با محاکم شرع و امور دینی نداشت.

تغییرات اندیشه علما از فاصله مهاجرت صغری تا مهاجرت کبری

چنانچه در پاسخ به پرسش‌های پیشین مطرح شد، علما در جریان جنبش تحریم تنباکو در کنار نفی نظری مشروعیت حکومت‌های استبدادی و طاغوتی، برای نخستین‌بار به رویارویی عملی با استبداد

پرداختند. همین زمینه‌ای شد تا در مراحل بعد و با افزایش ظلم و ستم حکام قاجار، قیام کنند و جنبش عدالت‌خانه را رقم بزنند. چنانچه نشان داده شد، به دلیل نبود طرح مشخص برای مقابله با استبداد، مبارزه در جریان مهاجرت صغری، شخص‌محور و ناظر به مهره‌های نظام استبدادی بود، اما علما دریافتند این مبارزه، کاری از پیش نخواهد برد چراکه با جابه‌جایی آدم‌ها درحالی‌که نظام استبدادی سر جای خود هست، گشایشی رخ نخواهد داد. حکومت استبدادی در هر مقطع، به‌رغم وعده اصلاح، به جهت ذات استبدادی به وعده‌های خود عمل نمی‌کرد و حتی فشار را بر معترضان افزایش می‌داد. برای نمونه در سقف درخواست‌های تحصن‌کنندگان حرم حضرت عبدالعظیم (ع) طی مهاجرت صغری، عزل عین‌الدوله حاکم تهران قرار داشت اما در اجتماع مسجد آدینه که پس از مهاجرت صغری به نشانه اعتراض به بی‌توجهی جدی حکومت در رفع ظلم و بلکه اقدام در جهت تشدید آن شکل گرفت، علما در سطحی بالاتر خواستار عزل عین‌الدوله از صدارت شدند.

جالب آنکه این اقدام مانعی برای استبداد نمی‌شد؛ از این‌رو در جریان اجتماع مسجد آدینه به صورت جدی بر عدالت‌خانه تأکید کردند. در این اجتماع که با حمله وحشیانه سربازان حکومتی مواجه شد، علما و در پی آن مردم، همگی یک چیز می‌خواستند و آن تحقق عدالت‌خانه بود و این مسئله به اندازه‌ای مهم شده بود که همگان شعار می‌دادند یا عدالت‌خانه برپا کنید یا ما را بکشید (انصاری، 1369: 34). به عبارت دیگر، تفاوت میان دو اجتماع حرم حضرت عبدالعظیم (ع) در جریان مهاجرت صغری و اجتماع مسجد آدینه، چرخش دید از رفع ظلم در سطوح فردی و خرد به اصلاح ساختار با تأکید ویژه بر عدالت‌خانه است.

هرچند عدالت‌خانه برخلاف مهاجرت صغری این بار مورد تأکید ویژه قرار گرفته بود، ولی هنوز حالت ابهام داشت. در جریان مهاجرت کبری، علما عدالت‌خانه را نهادی برای تحدید و کنترل سیستماتیک حکومت استبدادی می‌دانستند؛ هرچند کاری با تغییر نظام سلطنتی نداشتند. سید محمد طباطبایی در نامه‌ای که پس از مهاجرت صغری به شاه می‌نویسد، پس از گله از خرابی مملکت و پریشانی رعیت و بی‌حد و اندازه‌بودن ظلم و تعدی حکام و مأموران بر مال و عرض و جان رعیت و چپاول ثروت مردم توسط حکمرانان، راه علاج را چنین بیان می‌دارد:

«اعلی حضرت! تمام این مفسد را مجلس عدالت یعنی انجمنی مرکب از تمام اصناف مردم که در آن به داد مردم عامه برسند، شاه و گدا در آن مساوی باشند [حل خواهد کرد] ... مجلس اگر مجلس

باشد، ظلم‌ها رفع خواهد شد، خرابی‌ها آباد خواهد شد، خارجه طمع به کشور و مملکت ما نخواهد کرد...» (کسروی، 101: 2537).

نگاهی گذرا به تاریخ مبارزه‌های مردم به رهبری علما از آغازین روزهای نهضت عدالت‌خانه تا اواخر حضور جمعی از مردم در سفارت انگلستان که هم‌زمان با تحصن علما در قم به سفارت رفته بودند، به‌وضوح نشان می‌دهد رهبران نهضت آرام‌آرام به این نتیجه رسیدند که بدون طراحی الگویی مشخص برای جایگزینی حکومت استبدادی و با اقدامات فردمحور و مصداقی نمی‌توان حقوق ملت را استیفا و از دین محافظت کرد. آنان به‌وضوح و در اثر تجربه کنش عینی دریافتند مطالبات مصداقی جز اثر مقطعی کوتاه، اثر دیگری ندارد و در مراحل بعدی مبارزه، راه برخورد با مشکلات و مصائب کشور، فهم عمیق‌تری یافته و از درمان موردی مقطعی به سمت علل‌یابی و درمان قطعی متوجه شده است.

علاوه‌براین موضوع، بی‌شک آشنایی علما با الگوی مشروطیت نقش مهمی در عبور از مبارزه خرد به اصلاح ساختاری و ارائه الگو برای جایگزینی نظام استبداد داشت، اما نکته مهم آن است که علما در این مرحله در عین استفاده از نظریه مشروطه به دنبال آن بودند که الگوی ارائه‌شده مبتنی بر مبانی دینی باشد و رنگ‌وبوی دینی داشته باشد؛ ازاین‌رو در مقابل مشروطه غربی، عدالت‌خانه اسلامی را مطرح کردند.

نتیجه‌گیری

علمای شیعه همواره از جهت نظری، مشروعیت حکومت‌های غیرمعصوم یا غیرمأذون از ناحیه معصوم را زیر سؤال می‌بردند اما از جهت عملی و بنا به مقتضیات از حکومت‌ها فاصله می‌گرفتند و یا به آن‌ها نزدیک می‌شدند و صف‌آرایی عملی در مقابل حکومت‌ها نداشتند. جنبش تحریم تنباکو در کنار خصلت همیشگی ضداستعماری علما، این بار در صف‌آرایی آشکار در مقابل استبداد قرار گرفت و از همین‌رو می‌توان آن را نقطه عطفی در تاریخ مبارزه‌های علما علیه حکومت‌ها و مقدمه‌ساز نهضت مشروطیت دانست. در ادامه همین فرایند، در مهاجرت صغری این رویارویی جدی‌تر می‌شود اما به جهت اینکه علما از جهت ایجابی طرح مشخصی برای جایگزینی استبداد نداشتند، عمده درخواست‌ها سطحی و خرد بود اما آرام‌آرام در شرایط طبیعی از عمق بیشتری برخوردار شده و به

پاسخی نهادی و عمیق برای برون‌رفت از شرایط سیاسی اجتماعی آن زمان تبدیل شد. علما در این فرایند از تحریم تنباکو تا مهاجرت کبری به‌وضوح دریافتند جز از طریق نهادی و ارائه الگوی جایگزین نمی‌توان استبداد را مهار کرد. به نظر می‌رسد همین فهم تکاملی، خود را در قیام امام راحل (ره) و تأسیس جمهوری اسلامی نشان می‌دهد. با این تفاوت که ایشان، رفع اساسی استبداد را دربراندازی نظام طاغوتی می‌دانستند و اعتقاد داشتند حتی تغییر نهادی با وجود نظام سلطنتی، اثر عمیق نخواهد داشت.

فهرست منابع

- آشوری، داریوش (1376)، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید.
- امین‌الدوله، میرزا علی‌خان (1355)، خاطرات سیاسی، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران: امیرکبیر.
- آجدانی، لطف‌الله (1383)، علما و انقلاب مشروطیت ایران، تهران: اختران.
- آزاد ارمکی، تقی (1379)، اندیشه‌نوسازی در ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- انصاری، مهدی (1369)، شیخ فضل‌الله نوری و مشروطیت، رویارویی دو اندیشه، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- بهشتی‌سرشت، محسن (1380)، نقش علما در سیاست؛ از مشروطه تا انقراض قاجار، چاپ اول، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- ترکمان، محمد (1362)، رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات، روزنامه شهید فضل‌الله نوری، جلد اول، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- تیموری، ابراهیم (1361)، تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- تهرانی (کاتوزیان)، محمدعلی (1379)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- جعفریان، رسول (1369)، بررسی و تحقیق در جنبش مشروطیت ایران، بررسی کامل ابعاد تحصن مشروطه‌خواهان در سفارت انگلیس، چاپ اول، تهران: انتشارات طوس.
- جعفریان رسول (1376)، مقالات تاریخی، ج 3، چاپ اول، قم: نشر الهادی.
- دلاور، علی (1380)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: نشر رشد.
- دولت‌آبادی، یحیی (1362)، حیات یحیی، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات عطار و انتشارات فردوسی.
- ذبیح‌زاده، ع. ن. (1382)، رهبران دینی در نهضت مشروطه، چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رایین، اسماعیل (1353)، میرزا ملکم‌خان، تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین (1374)، رسائل مشروطیت، چاپ اول، تهران: کویر.
- شریف‌کاشانی، محمد مهدی (1362)، وقایع اتفاقیه در روزگار، چاپ اول، جلد اول، تهران: تاریخ ایران.
- سامعی، احمد (1378)، انقلاب اسلامی و نهضت‌های ملی مذهبی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات چکاد/امیربهدار.

شیخ فرشی، فرهاد (1379)، *تحلیلی بر نقش سیاسی عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی*، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

طباطبایی، سید جواد (1381)، *تأملی درباره ایران، جلد اول: دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران*، تهران: نگاه معاصر.

قادری، حاتم (1378)، *اندیشه‌هایی دیگر (مقالاتی در شناخت دوگانه اسلام و ایران)*، چاپ اول، تهران: نشر بقعه.

کرمانی، ناظم‌الاسلام (1362)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، چاپ چهارم، تهران: آگاه.

کسروی، احمد (2537)، *تاریخ مشروطه ایران*، چاپ چهاردهم، تهران: امیرکبیر.

«گفت‌وگو با عبدالله شهبازی، مورخ»، *روزنامه ایران*، 16 و 17 (مرداد 1381).

ملک‌زاده، مهدی (1363)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، چاپ دوم، کتاب دوم، تهران: انتشارات علمی.

مدنی، سید جلال‌الدین (1365)، *تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران*، ج 2، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

معین، محمد (1362)، *فرهنگ فارسی معین*، ج 2، تهران: مؤسسه امیرکبیر.

نادری، عزت‌الله و سیف‌نراقی، مریم (1385)، *روش‌های تحقیق در علوم انسانی*، چاپ بیست‌وهفتم، تهران: بدر.

نجفی، موسی؛ فقیه حقانی، موسی (1381)، *تاریخ تحولات سیاسی ایران (بررسی مؤلفه‌های دین، حاکمیت، مدنیت و تکوین دولت، ملت در گستره هویت ملی ایران)*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

نجفی، موسی (1378)، *تحلیل تاریخ سیاسی ایران (دین، دولت، تجدد)*، چاپ دوم، تهران: مرکز فرهنگی انتشارات خیر.

نجفی، موسی (1378)، *حکم نافذ آقانجفی*، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

نجفی، ناصر (1377)، *محمدعلی‌شاه و مشروطیت*، تهران: انتشارات زریاب.

هادوی تهرانی، مهدی (1380)، *ولایت و دیانت؛ جستارهایی در اندیشه سیاسی اسلام*، قم: نشر مؤسسه فرهنگی خانه فرد، مؤسسه بیت‌الحکمه الثقافیه.

وحدت، فرزین (1383)، *رویارویی فکری ایران با مدرنیت*، مهدی حقیقت‌خواه. تهران: ققنوس.

ریکلوومی

رسید مجری

ایپرا